

سال ۲۰۱۱

بازگشت تئاتر به جهان کلاسیک

سمانه احمدیان

■ تئاترجهان در سال ۲۰۱۱ به جهان کلاسیک خود بازگشت. بازگشتی متفاوت از همه این سال‌ها. نگاه‌نویسنده به‌ساده‌ترین شکل به همراه توضیحاتی که او برای خلق اثر داده همراه متن کلاسیک اجرا می‌شد. انگار نه انگار که نویسنده نمایشنامه سال‌هاست که در گذشته‌است.

تئاتر سال ۲۰۱۱ مثل همه سال‌های دهه گذشته متمرکز در دو مرکز بزرگ تئاتر جهان یکی در اروپا و یکی دیگر در آمریکای شمالی بود: «نیویورک» و «لندن» شاید به روایتی سال ۲۰۱۱ را باید سال کارگردانان خوش‌ذوق متبحری دانست که جهان کلاسیک متن مورد نظرشان را موازی هنر معاصر تبدیل به اثری نو کردند. روی آوردن به متون ادبیات کلاسیک، از شکسپیر و ویلیامز تا گوگول و کارلو گولدمونی سبب این تصور شد که با آثار ی تکراری و دور از هرگونه انتقال جدیدی در دنیای هنر معاصر روبه‌رو هستیم. جهان اجرایی این آثار از هرگونه تکرار و نزول متفاوتشان می‌کرد. متون کلاسیک دوبارنویسی و دراماتوزی شده و با حضور مطرح‌ترین بازیگران تئاتر و سینما به‌اجراهایی مبدل شدند که دنیای هنر معاصر را در کنار آثار کلاسیک جهان قرار دادند و اجراهایی که زبان جدیدی از دراماتوزان، کوریوگرافان، موزیکال‌نویسان و نقاشان مطرح بود. مدت‌ها بود که اثری از شکسپیر جز به قید وظیفه در «تئاتر گلوب لندن» –تئاتری که فقط به آثار شکسپیر تعلق دارد- در تئاتر امروز نبود. اما امسال نمایش‌هایی که برگرفته از متون شکسپیر به اجرا رفتند، نه تنها تماشاگران را جذب کرد که مورد توجه منتقدان سرسخت تئاتر قرار گرفت. تنسی ویلیامز؛ عقده باز نشده قرن بیستم یا به جهان قرن بیست‌ویکم می‌بخازد. تئاتر در سال ۲۰۱۱ چهره‌ای چند رسانه‌ای از خود نشان داد که ثابت کرد هنوز هم می‌شود متون کلاسیک را به روی میز آورد و خوراک جهان دیگر هنرها کرد و رنگ امروز به آن



زده، که این مهم‌ترین دلیل بازخورد بسیار خوب آن بین دوست‌داران تئاتر بود. از جمله تئاترهایی که یک اتفاق در سال ۲۰۱۱ محسوب می‌شدند: «شاه لیر» شکسپیر در لندن، به کارگردانی «مایکل گرانداف» –که بسیاری معتقدند، بهترین اثر شکسپیری او بوده- با فرمی نسبتاً مطابق سلیقه بریتیش‌ها، پایبندی به اصول کلاسیک متن، اما اجرایی قوی به صحنه آمد. «رومئو وژولیت» «پورت گوولد» در سالن رویال شکسپیر لندن نیز از دیگر اجراهای قابل توجه سال بود و اما «پچاردیوم» که «سام مندس» آن را کارگردانی کرده، در سالن «الد ویکتوریا» با بازی «کوین اسپسی» –که قبلاًنیز در نقش ریچارد دوم ظاهر شده بود- به صحنه رفت. رویال کورت که سال گذشته پرکارتر از همیشه بود، بار دیگر با نمایشی با نام «جامبی» که «نینارین» آن را از متن «پریل د آنجلس» یک درام خانوادگی، کارگردانی کرده، در این اثر، بازیگران مطرحی به ایفای نقش پرداختند. نمایش «خطرات مرد دیوانه» برداشتی از متن گوگول، به کارگردانی «ییل ارمیلیه» و «جفری راش» در «تئاتر بُم» آمریکا به اجرا رفت. «پسران پیامبر» که یک کمدی لبنانی-آمریکایی است نوشته «استفان کرم» –برنده جایزه پولیتزر- به کارگردانی «پیتر دیوویاس» نیز از مهم‌ترین اجراهای سال گذشته آمریکا بود. «ترورن ئ» با به صحنه بردن «شیانت» هارولد پینتدر در «تئاتر کمدی لندن» شمایل یک ازدواج سه نفر را به صحنه آورد. «چگونه در تجارت پیروز شویم بی‌آنکه تلاش کنیم؟» که یک نمایش کلاماً راودادی با بازی «دنیل رودکلیفت» بازیگر مشهور هری پاتر- به کارگردانی بلی اشفورد است که ترکیبی از هنر فیزیک، ساتیر، موزیکال و کمدی است که کار بسیار پرفروشی بود. «یک مرد، دو صاحب» برگرفته از متن «یک نوکر و دو رئیس» –کمدی‌ا دل آرت قرن هجدهمی- کارلو گولدونی به کارگردانی «ریچارد بین» و بازی «جیمز کِرن» در تئاتر ملی لندن به اجرا رفت. نمایش سیاسی سال: «راه نمایی به کاپیتالیسم و سوسیالیسم با کلیدی به کتاب مقدس» که «تونی کوشنر» نویسنده آن را با برداشتی از آثار برنارد شاو و «جیکرادی» نوشته، یک مولدرام سیاسی است که –مایکل گریف» آن را در نیویورک به صحنه برد- از متفاوت‌ترین نمایش‌های موفق سال «فرشته یازمی گردد» بود، نوشته «آلفرد اِووری» –برنده پولیتزر- و کارگردانی «هارتا کلارک». این اجرا که در نیویورک به صحنه رفت دنیای نمایش را به مثابه یک تریشن فیزیکی به کار برده بود و اما «چشمان سبز» تنسی ویلیامز، در نیویورک به کارگردانی «تراویس شامبرلین». اما در سال ۲۰۱۱ نمایش‌هایی بودند که با تکیه صرف بر ویژگی‌های تجاریشان مثل «سپایدرمن»، «لاین کینگ» و «بُذکار». این سه نمایش بعد از سال‌ها اجرا به شکل غیرقابل قیاسی با اجراهای گذشته خودشان رکورد خود را در باکس آفیس برادوی زدند و مردم مشتاقان سرگرمی صرف را بیش از پیش به خود جذب کردند.

همزمان با نمایش آثار ایرانی و اسلامی در موزه متروپولیتن نیویورک، کیهان کلهر، نوازنده نام‌آشنای ایرانی در ایسن موزه به روی صحنه می‌رود. این نوازنده که هم اکنون بخش اول اجراایش را در اروپا به پایان برده، در گفت‌وگو با «شرق» از دونواری خود و بهروز جمالی در موزه متروپولیتن در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۲ (هشتم بهمن) خبر داد. او در این باره گفت: «این برنامه یک کنسرت دونواری با تنبک با آقای بهروز جمالی است که قرار است در رابطه با نمایش آثار هنر ایرانی و اسلامی در متروپولیتن اجرا شود و در واقع نمایش موسیقی ایران خواهد بود.» کلهر که طی امسال و سال گذشته یکی از پرکارترین دوره‌های کاری خود را پشتسر گذاشته‌است، اخیراً تور اروپایی خود را از ایتالیا آغاز کرد و در چند شهر اروپا روی صحنه رفت. او همچنین در کنار سنترگان موسیقی دنیا در فستیوال جاز لندن که از ۱۱ تا ۲۰ نوامبر (۲۰ تا ۲۹ آبان) برپا شد، به اجرای برنامه پرداخت. در این فستیوال کلهر در کنار مجید خلج، نوازنده تنبک، حال و هوایی ایرانی به این رخداد مهم عرصه موسیقی بخشید. این نوازنده در مورد دیگر برنامه‌های خود قبل از کنسرت

می‌گوید: «من به‌خاطر این سفر به ایران به‌شدت هیجان‌زده‌ام و به‌خاطر این‌که می‌توانم با مردم ایران دیدار کنم».

شرق: کانون تدوینگران، انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند،انجمن فیلمبرداران و کانون آهنگسازان سینمای ایران خانه‌سینما در بیانیهای «مشارکت در جشنواره را منوط به رفع مشکلات پیش آمده قضایی از سوی معاونت سینمایی دانستند.» پیش از این انجمن مستندسازان و کانون کارگردانان سینمای ایران در بیانیه خود تصریح کرده بودند که برای هرگونه همکاری موثر تا رفع این تناقض از سوی مسوولان امور سینمایی منتظر می‌مانند. به گزارش ایسنا در این بیانیه چنین آمده شده است: «در پی حضور دوساعته دبیر جشنواره سی‌ام فجر در خانه سینما و نشستی که با نمایندگان اصناف سینمایی داشتند، انتظار می‌رفت ابهاماتی که در دعوتنامه به‌اشان برای مشارکت اهالی سینما در هیات‌های انتخاب و داوری جشنواره امسال وجود داشت مرتفع شود. این در حالی است که، شکایت مقامات بالاتر مثل آقای خراسی یعنی متولیان اصلی جشنواره‌ای که ایشان دبیر آن است، از خانه سینما یعنی جامعه اصناف سینمای ایران، به منظور تعطیل کردن خانه سینما مراحل خود را طی می‌کند» در بخش دیگر بیانیه آمده است: «تعطیل کردن خانه سینمایی که دبیر محترم جشن انتظار دارد اصفافش برای

بعد از تور موسیقی با گروه بروکلین رایدِر صورت می‌گیرد «متروپولیتن» میزبان کیهان کلهر پرویز براتی

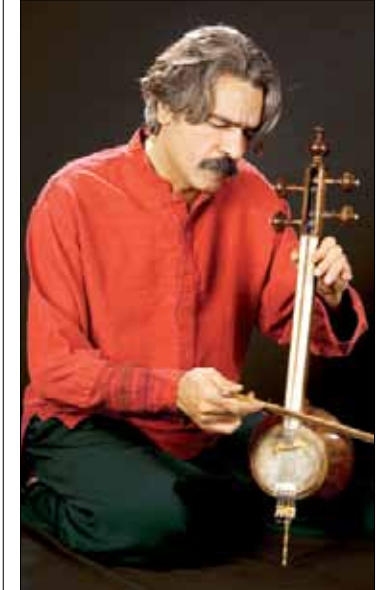
دونواری موزه متروپولیتن اضافه کرد: «قبل از این کنسرت یک وورک‌شاپ در هاروارد خواهم داشت و بعد یک تور موسیقی با گروه بروکلین رایدِر در آمریکا برپا خواهم کرد. در سوم فوریه (اواسط بهمن) برنامه تکنواری در لندن، ادینبرو (اسکاتلند) و منچستر خواهم داشت. همچنین بعد از آن یک تور موسیقی با گروه «جاده ابریشم» در چین، هنگ‌کنگ، کره و چند کشور دیگر برپا خواهم کرد. دوباره یک دونواری با آقای جمالی در موزه اسمیتسونین واشگتن دی.سی خواهم داشت، اینها برنامه‌های سه ماه اول سال هستند.» کلهر در کنار اجرای کنسرت در شهرها و کشورهای مختلف دنیا، آلبومی نیز آماده‌نشر کرده‌است. آلبوم «تنها نخواهم ماند» که اثر دوئت است که هشت قطعه را در خود جای داده است، ایسن اثر یک دوئت و

بیانیه چهار صنف «خانه سینما»

مشارکت در جشنواره فیلم فجر، منوط بر رفع مشکل قضایی است

مشارکت در برگزاری بهتر جشنواره به‌اشان کمک کنند، این موقعیت شگفت و متناقضی است که آقای خراسی هم در جلسه مذکور نتوانست از تناقض آن رهایی یابد و سایه این دوگانگی بر وعده‌های شیرین وی سنگینی می‌کرد، چون از طرفی خود را عضو خانه سینما می‌دانست و به این عضویت مباحثات ایران می‌کرد و از طرف دیگر، نماینده شاکیان محسوب می‌شد و این از شگفتی‌های روزگار ما است که شاکي و متشاکي می‌تواند در یک نفر جمع شود. با وجود این، جلسه رفع ابهام با حسن‌نیت اهالی سینما بدون در نظر گرفتن شکایت فوق، که انصافاً کار ساده‌ای هم نبود، شکل گرفت تا با گفت‌وگوی دوطرف گامی هر چند کوچک و حتی نمادین برای حل اختلافات مدیران دولتی با خانه سینما برداشته شود، ولی تا پایان جلسه به جز تعارفات معمول این قبیل جلسات و وعده‌های مرسوم پیش از برگزاری هر جشنواره، نتیجه‌ای حاصل نشد و دبیر محترم نوری بر ابهامات موجود نتواند.» این صنف پیش‌بینی کردند: «بااین روزنما به‌نظر می‌رسد که نمایش صداقت و وفای بسری از برگزاری بهتر جشنواره چندان توفیقی نداشته است. از همین‌رو، اصناف زیر مشارکت در جشنواره ا منوط به رفع مشکلات پیش آمده قضایی از

سوی معاونت سینمایی برای خانه‌شان یعنی خانه سینما می‌دانند.» در زمینه جشنواره فیلم فجر تاکنون وزیر ارشاد و مسوولان دیگر اظهارنظر کرده‌اند. مدیرکل نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی با اشاره به منظم برگزار کردن این دوره جشنواره گفته است: «گر جشنواره فیلم فجر نبود، سینمای کشور مجموع فرصت‌های خیری‌اش در طول سال واقعاً به اندازه جشنواره نمی‌شد. حقیقتاً تأثیر‌گذاری جشنواره فیلم فجر با جشنواره‌ها و اتفاقات هنری دیگر قابل مقایسه نیست.» علیرضا سجادیور در گفت‌وگویی اهداف این دوره جشنواره را چنین بیان کرده است: «جشنواره فیلم فجر چندین هدف جدی را با هم دنبال می‌کند. اول اینکه سینما در دهه فجر بالاترین بزرگداشت را از پیروزی انقلاب اسلامی به عمل می‌آورد، که با برگزاری مهم‌ترین و پرشهرت‌ترین جشنواره سینمایی، آن را نشان می‌دهد. دومین هدف برگزاری جشنواره فیلم فجر این است که در ایام برگزاری این جشنواره که بزرگ‌ترین گردهمایی سینمایی‌هاست، می‌توانند از فرصت ۱۲ روزه استفاده کنند و توجه تمام نهاده‌ا، مسوولان و مردم را به خود جلب کنند» وی در ادامه گفت: «من معتقدم برنامه‌ریزی برای



سید علی حسینی، مدیرکل نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی

سینمای ایران باید بلندمدت باشد. جشنواره فیلم فجر محلی است برای اینکه ارزیابی کنیم نقشه راه سینما در طی سال درست ترسیم و طی می‌شود یا خیر. در عین حال،جشنواره فیلم فجر فرصتی است که تمامی آثار سال آینده سینمای ایران در یک بسته واحدی دیده می‌شود و تصویر مناسبی به‌خصوص برای صنوف و مدیران سینمایی کشور از سال آینده می‌دهد. با برگزاری جشنواره فیلم فجر می‌توان نقشه مناسبی برای اکران و بازاریابی داخلی و خارجی در سال آینده و تقسیم‌بندی ژانرها و گونه‌های مختلف سینمایی داشته باشیم.» وی همچنین از رسانه‌ها خواستار پرهیز از جناح‌گرایی شد و افزود: «رسانه‌ها از نگاه سیاسی پرهیز کنند در غیراین صورت به وظیفه اصلی خود خیانت کرده‌اند»

بزرگداشت‌های جشنواره فیلم فجر

حسین زندیاف، علیرضا زرین‌دست، محمد بزرگنیا، جمال شورجه و داوود رشیدی از چهره‌هایی هستند که در فجر سی‌ام برای آنها مراسم بزرگداشت در نظر گرفته شده است. جشنواره فیلم امسال همچنین از نهاده‌ا و ارگان‌ها برای برگزاری پرشور بخش تجلی اراده درخواست همراهی کرده است.

شالویی و خرید الزامی دولتی

مدیرکل دفتر امور تجسمی ارشاد از برگزاری دو اکسپو در زمانی نزدیک خبر داد و با اشاره به الزام دستگاه‌های دولتی به خرید آثار هنری گفت: «برای دستگاه‌های دولتی نیز خرید از اکسپو در اولویت خواهد بود چرا که اکنون دیگر ملزم به خرید آثار هنری هستند و امیدواریم که استقبال صورت گیرد».

■ ■ ■

خبری از گذر فرهنگی کریمخان نیست

شرق: جشنواره زمستانی کریمخان در حالی از روز ۱۰دی با حضور کتابفروشی‌ها و مراکز فرهنگی این خیابان برگزار می‌شود که هیچ اقدامی از سوی شهرداری منطقه شش برای تبدیل این خیابان به گذر فرهنگی صورت نگرفته. پژمان سلطانی، دبیر اجرایی این جشنواره تأکید کرد: «در ثمن روز یکشنبه به نتیجه‌قطعی نرسیدیم که شهرداری به ما کمک می‌کند یا خیر. شاید اصلا دغدغه شهرداری منطقه، مشارکت در چنین فعالیت‌هایی نباشد.»به گفته سلطانی «ما به دنبال کمک بلاعوض از هیچ نهادی نیستیم و تا امروز هم جز اختصاص ۱۰ بیلبورد در جشنواره تابستانی از سوی سازمان زیرسازی شهرداری، هیچ کمک دیگری به ما نشده است و تنها آقای احمد مسجدجامعی در شورای شهر سعی دارد به ما کمک کند و اگر نامه‌نگاری می‌هم شده، شخص آقای مسجدجامعی همکاری کرده است که در حال حاضر با تغییر شهردار منطقه شش، مذاکرات و تفاهنامه‌های قبلی‌به به‌نتیجه‌نهایی نرسیده‌است.»بابک شیرازی» مدیر انتشارات سنایی به پایان می‌رسد. در این دوره کتابفروشی آبی هم به ۱۱ کتابفروشی دیگر این گذر پیوسته‌است.



آرت دیلی: بیدار شو آرزو، کینوش عیاری، «بنیای شهر



طی گذشت هشت سال از زلزله بم، «بیدار شو آرزو، کینوش عیاری، «بنیای شهر خاموش» امیر شهاب رضویان و «خاک سرد» رضا سبحانی از جمله آثار سینمای ایران هستند که به این حادثه دلخراش پرداخته‌اند. «بیدار شو آرزو»، در نهایت تنها به اکران محدود در نشست‌ها اکتفا کرد. کارگردانش ساعاتی پس از زلزله در بم حضور پیدا کرد و با گرفتن تصاویر مستندی از آثار در فیلمش بهره برد. بهژاد جعفری و مهراڻ رحیمی از بازیگران آن هستند. کینوش عیاری درباره این فیلم که در ابتدا «بم» نام داشت گفته بود: «طرح و فکریهای از زمان زلزله رودبار در ذهن داشتم که با وقوع زلزله بم تصور کردم به تصویر کشیدن آن می‌تواند از خودگذشتگی انسان‌ها را در مقایله با این فاجعه انسانی ماندگار کند.»

گفت‌وگوی جدلی –۱۰۷

اردشیر خرم‌نکوب

■ کنون سال‌ها از آن روز و از آن مصاحبه می‌گذرد و من هنوز سنگینی پتک سخن آن مرد روسی را بر سلاج خود حس می‌کنم. نمی‌دانم چرا هر وقت به یاد کنایه او می‌افتم، «ایزدخواست» منجم و ریاضی‌دان نابغه ایرانی پیش چشمم ظاهر می‌شود که دست از دین زرتشت کشید و مأمون عباسی، نام «ماشاءالله» را برای او معادل سازی کرد. همچنان که از ایزدخواست تا ماشاءالله یک دنیا سخن است، در کنایه آن مرد روس نیز سخن فراوانی فروخته‌است. راز ماندگاری این سخن در من، پشتوانه فرهنگی – ادبی آن است که با مکتوبات سیاسی مرد روس آمیخته است. اگر او به شکل معمول از تمایل روسیه به بازشناسی حقوق همسایگان خزر می‌گفت، شاید من اکنون جز کلیت سخن او چیزی به یاد نداشتم. اما وقتی او فرهنگ چانه‌زنی ما ایرانیان را در خرید چیزی به رخ کشید، می‌دانست‌که در انتهای این چانه‌زنی، این فروشنده است که سود برده است. و نه خریدار! که هم وقت و پول و حیثیت خود را مخدوش کرده و هم در وجهی کودکانه، راضی و سرمست از مغازه طرف بیرون زده است. هنوز در کنایه مرد روس، دریافت‌های بیشتری سرک می‌کشد. اینکه اگر ایرانی‌ها به چانه‌زنی علاقه‌مندند، ما نیز به علاقه آنان بها می‌دهیم. با این برآیند که پیشاپیش می‌دانیم در پایان این چانه‌زنی، سود ما روس‌ها و زیان ایرانی‌ها تضمین شده است. بگذارم دراین میان، یک ذوق‌زدگی نیز نصیب ایرانی‌ها شود.

این سخن کوتاه آن مرد روس، کوهی از معنا با خود دارد. آنقدر که یک‌تنه می‌تواند بندر جهان را از جا بلند کند و تا آسمان بالا ببرد و ناگهان همه بندر بالارفته را بر سر من بکوبد. چرا؟ چون یک دیالوگ چالش‌برانگیز است. دیالوگی که باطن‌زنی‌ش را به گوشه‌ای از فرهنگ ایرانیان می‌پردازد و زیرکی روس‌ها را برمی‌کشد. این دیالوگ، به صورت ظاهر یک پرسش و پاسخ ساده است، اما، قطاری است که سهم ایرانیان را واپناده و سود روس‌ها را با شتاب می‌برد.

پیشتر نیز به نحوه و کارکرد دیالوگ و گفت‌وگوی دوجانبه اشاره کردم. در دیالوگ، اگر جدل و درگیری نباشد، از یاد خواهد رفت. جریان نرم و روان یک رود، آنجا که به آبشار می‌انجامد، دیدنی و شنیدنی است. جدل در دیالوگ، میان دو یا چند کاراکتر (شخصیت‌های متمایز) از موضعی برابر درمی‌گیرد، فراوانستی و فردوستی جدل‌کنندگان مهم نیست، یعنی مهم نیست که یکی گمنام و بی‌نشان باشد همچون ابراهیم. و یکی نیز پادشاه مغزوری باشد چون نمرود. و جدل نیز هرگز به معنای گفت‌وگویی که به دست به یقه شدن طرفین منجر شود، نیست. جدل یعنی آبشار. یعنی به یک پرسش ناغافل من، آن مرد روس، آبشاری از فرهنگ خود مرا و زیرکی خودش را بر سر من ایرانی بیارد. بی‌آنکه بیدانان پرسشگر، در آن بندر ترک، یک ایرانی است.

در اینجا می‌خواهم به یک گفت‌وگوی جدلی در قرآن اشاره کنم. بین یک فرادست بزرگ و یک فرودست کوچک. بین خدا و پیامبرش. درپچه شدوشازدهم سوره مائده را که بگشاییم صدای سخن خدا را می‌شنویم که می‌گوید: «آن کنت قلته قلمت علیه» اگر من یک چنین سخنی گفته باشم، تو خود می‌دانستی.»

با این پرسش جدلی، که مبتنی بر پیشینه‌ای پرماجرست، عیسی به دست و پا می‌افند بر پشتاب پاسخ می‌دهدای خدا، منزه می. من حق ندارم چیزی بگویم که در شأن من نیست = «ها یگوئ لی ان اقول ما لیس لی بحق.» می‌بینید این پیامبر شیرین‌سخن و خوشنام و نیک‌گفتار، چه معصومه به جایگاه بندگی خود می‌پردازد؟ که من کجا و خداوندت آشکار کند؟ گویا خدا با پرسشی که پاسخش از پیش اعلام است، جرقه‌ای به جان پیامبرش می‌انداذ تا او را مشتعل کند و بگوید: «آن کنت قلته قلمت علیه» اگر من یک چنین سخنی گفته باشم، تو خود می‌دانستی.»

ادامه دارد

بی‌پولی در سیما

■ سعید رشتیان یکی از کارگردانان مستند به ایسنا گفت: «در حال حاضر می‌شویم بسیاری از قراردادهای تولید فیلم مستند در همین شبکه مستند نشده‌اند و دلیل آن را کمبود اعتبارات مالی ذکر کرده‌اند. شبکه مستند خودمان و بخشی از مستند شبکه‌های مختلف سیما متأسفانه از موقعیت جدی برخوردار نیستند، امیدواریم اقبال و استقبال و تشویق نسبت به تولید فیلم مستند در همه شبکه‌های سیما وجود داشته باشد.»همچنین مسعود امیرپور کارگردان عملیات ۱۲۵ به سایت‌های سینمایی گفته است: «به تازگی به دلیل بروز مشکلات مالی و عدم بودجه‌رسانی از سوی شبکه ناگزیر به توقف تولید شدیم.»

حمید پور آذری و توقف تمرین

■ فارس: حمید پورآذری و گروهش سه هفته است که به دلایل نامعلوم اجازه ندارند در فرهنگسرای بهمن برای اجرای نمایش «فریادی نیمه‌شب تابستان» تمرین کنند. بعد از این اتفاق بود که مدیر فرهنگی و هنری شهرداری گفت: سعی می‌کنیم مشکلات این گروه را برطرف کنیم، هر چند همیشه مشکلاتی برای هر گروهی در هر شرایطی پیش می‌آید ولی وظیفه ما است تا کمک کنیم مشکلات برطرف شود.